

آقا موشه را فرستادن آب بیاره





آقا موشه را فرستادن آب بیاره

ترانه ملی لیتوانی

ترجمه از گامایون

تصاویر از ت. بالچونته



بنگاه نشریات پروگرس

مسکو





گندم سیاه را شستند، گندم سیاه را آسیا کردند

گندم سیاه را. شستند، گندم سیاه را آسیا کردند،
آقا موشه را دنبال آب فرستادند
از روی پل، از روی پل کوچولو
به شن‌زار زرد رنگ.
مدتی زیاد پرسه میزد،
از گرگ ترسیده بود،
راه را گم کرد، از چشمش رگبار اشک میریخت.
اما پهلوی چاه آب وایستاده بود.



آهای تو، آقا خرگوش چشم چپه

آی تو، خُرگوش چشم چپه — همینطور!
تو دنبال من نیا — همینطور!
به جالیز میرسی — همینطور!
تمام کلم‌ها را میجوی — همینطور!
همینکه به چنگ من بیفتی — همینطور!
چنان گوشهایت را بگیرم — همینطور!
و دست را چنان میچرخانم — همینطور!













بعو — بعو، من شاخ دارم

بعو — بعو، من شاخ دارم،
بعو — بعو، من دم دارم،
بعو— بعو من گوش دارم،
بعو — بعو، من خیلی ترسناکم،
بعو — بعو، میترسانم،
بعو— بعو شاخ میزنم.





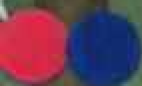
ایپا به عیش و نوش مشغول شد

ایپا به گشت و گردش مشغول شد، رقصید
و پاکوبی کرد،
ایپا در چمن عیش و عشرت میکرد.
ایپا تبری درخشان دارد،
تبر کوچکی، تبر کوچکی.



او کلبه‌ای ساخت
روی پشته‌ها، روی پشته‌ها،
رفیقه‌اش را به کلبه دعوت میکند،
بمیان گلها، بمیان گلها.





МЫШКУ ПО ВОДУ ПОСЛАЛИ

Литовские народные песенки

На персидском языке



